

کارگزاران عالم تکوین و تشریح

گفتاری پیرامون اوصاف و اصناف ملائکه

آزاده عباسی

کارشناس ارشد علوم قرآنی و حدیث

چکیده

قرآن کریم از همه‌ی موجودات عالم سخن می‌گوید. قرآن به جز انسان‌ها، جمادات، نباتات و حیوانات، از موجوداتی سخن می‌گوید که توسط حواس انسانی قابل درک نیستند. لذا ایمان به این موجودات، به منزله‌ی ایمان به غیب است. از آن‌جا که آگاهی یافتن از احوالات این موجودات، از راه حواس انسانی ممکن نیست، برای آگاهی یافتن از این موجودات راهی جز تکیه به نقل، یعنی آیات قرآن و روایات پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، وجود ندارد. ماهیت، اوصاف و اصناف این موجودات، هر چند به اختصار، در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: ملائکه، اوصاف، اصناف

مقدمه

به دلیل ناتوانی انسان‌ها از درک و شناخت ملائکه توسط حواس، علم ایشان در این خصوص به همان اندازه‌ای است که از طریق نقل، یعنی آیات قرآن کریم و روایت اسلامی، به ایشان رسیده است. در قرآن کریم، بارها و بارها از ملائکه یاد شده است و بحث‌های فراوانی نیز در خصوص ملائکه، اوصاف، اصناف، افعال و مأموریت‌های آنان بیان شده است. در روایات اسلامی نیز بحث‌های بیشتری در این خصوص و به ویژه اعمال، اصناف و مقامات ملائکه مطرح شده است. لازم به ذکر است که برخی برای راضی نگه داشتن منکرین عوالم غیب، ملائکه را به قوا و انرژی‌هایی که در طبیعت انسان و سایر موجودات قرار دارد، تفسیر کرده‌اند، درحالی‌که آیات قرآن این نوع تفکر را کاملاً رد می‌کند.

در این مجال، به بررسی کوتاهی در خصوص ملائکه، ماهیت، اوصاف و اصناف ایشان پرداخته می‌شود، گرچه بحث در این خصوص، بخشی وسیع

قرآن کریم، معجزه‌ی جلوی‌دین پیامبر اکرم (ص)، کتابی است که برای تمامی عصرها و تمامی نسل‌ها نازل شده است. در قرآن کریم، از همه‌ی موجودات عالم سخن به میان آمده و به جز انسان‌ها، از موجودات دیگری نیز نام برده شده است. علاوه بر حیوانات، جمادات و نباتات که قرآن کریم بنا به مناسبت‌های گوناگون از آن‌ها یاد می‌کند، احوالات موجودات دیگری را نیز بیان می‌کند که انسان‌ها توان درک آنان را توسط حواس خود ندارند. گروهی از این موجودات «ملائکه» نامیده می‌شوند. ملائکه از جمله امور غیبی به حساب می‌آیند. برای آشنایی با این موجودات، و چگونگی احوالات ایشان، حواس انسان‌ها ناتوان است. قرآن کریم ایمان به این موجودات را در ردیف ایمان به خدا، انبیا و کتب آسمانی قرار داده است و می‌فرماید: «آمن الرسول بما أنزل إليه من ربه و المؤمنون کل آمن بالله و ملائکته و کتبه و رسله...»^۱



است که البته در این فرصت کوتاه نمی‌گنجد.

بحث لغوی پیرامون واژه‌ی ملائکه

در میان لغویان، نظرات گوناگونی درخصوص واژه‌ی ملائکه به چشم می‌خورد. بخش عمده‌ی این تفاوت‌آرا، به ریشه‌ی کلمه‌ی ملائکه مربوط است:

● جوهری در «الصحاح» نقل می‌کند، نظر کسانی بر این است که اصل «ملک» از «مألك» است از «ألوک» به معنای رسالت. سپس لام به جای همزه درآمده و کلمه به «ملاک» تبدیل شده است. آن‌گاه همزه در اثر کثرت استعمال افتاده و به صورت «ملک» درآمده است. لذا به هنگام جمع، همزه به جای خود برمی‌گردد و به صورت «ملائکه» به کار می‌رود. بنابراین نظر، «میم» در این واژه زائده است [جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۱۶۰].

● نظر ابن کيسان بر این است که اصل واژه‌ی «ملائکه» از «ملک» است و در این صورت «میم» زائده نیست [قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۲۷۶].

● نظر زبیدی بر این است که واژه‌ی «ملک» درخصوص فرشتگان به فتح میم و در خصوص انسان‌ها به کسر میم قرائت می‌شود [الزبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳: ۶۵].

● نظر علامه طباطبایی در «المیزان» بر این است که «ملائکه» جمع واژه‌ی «ملک» است [طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۷: ۵].

به علت فراوانی اختلاف نظرات درخصوص ماهیت ملائکه، توضیحات بیشتر درخصوص معنای این واژه را به مقاله‌ی مستقلی موکول می‌کنیم. توضیح این‌که در زبان فارسی، واژه‌ی «ملائکه» به معنای «فرشتگان» به کار می‌رود.

ماهیت ملائکه

در منابع اسلامی، بحث‌های فراوانی درباره‌ی فرشتگان، اعمال، صفات و مقامات آنان وارد شده است، اما هیچ‌گونه بحث صریحی درخصوص ماهیت «ملائکه» دیده نمی‌شود و شاید به همین دلیل باشد که

میان علمای اسلامی درباره‌ی ماهیت این موجودات، گفت‌وگو و اختلاف نظرهایی به چشم می‌خورد. زیرا چنان‌که بیان شد، منابع اطلاعاتی انسان‌ها درخصوص ملائکه، به منابع نقلی منحصر است.

میرزا حبیب‌الله خوبی، شارح «نهج البلاغه»، در جلد دوم کتاب «منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه»، همه‌ی اقوال موجود درخصوص ملائکه را ذکر می‌کند [ج ۲، ص ۲۶]. در ادامه برخی از این نظرات را بیان می‌کنیم:

● فلاسفه نظرات گوناگونی درخصوص ملائکه دارند. از آن جمله فارابی است که می‌گوید: «ملائکه صور علمیه‌اند که جوهر آن‌ها علوم ابداعی است که گویا منظور امور روحانی است که بعدها از آن‌ها به مجردات عقلیه و نفسیه تعبیر شده است [فارابی، ۱۴۰۵ق: ۷۴].

برخی دیگر از فلاسفه نیز گفته‌اند: «ملک جسم نوری است که به هر شکل درآید» [سجادی، ۱۳۷۵: ۷۵۰].

● متکلمین نیز درخصوص ماهیت ملائکه آرا و اقوال گوناگونی دارند، اما اکثر ایشان ملائکه را موجوداتی «از جنس لطیف» می‌دانند. در برخی از تعبیرات، کلمه‌ی نور به عنوان ماده‌ی اصلی تشکیل‌دهنده‌ی فرشتگان آمده است: «الملائكة اجسام لطيفة نورانية» [طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۲۹۳].

با توجه به این مطلب که ملائک از جنس نور هستند، تفاوت میان ایشان و دیگر موجودات نامحسوس (جنیان) معلوم می‌شود، زیرا قرآن کریم بیان می‌دارد که خلقت جنیان از آتش است.

● علاوه بر فلاسفه و متکلمین، مفسرین نیز تعبیر گوناگونی درخصوص ماهیت ملائکه دارند که برخی از آن‌ها بدین شرح است:

- ملائکه موجوداتی هستند مخلوق خداوند و واسطه‌های بین او و بین عالم مشهود که خداوند ایشان

را موکل بر امور عالم تکوین و تشریح نموده است [طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۷].

ملائکه جسم لطیف هستند و برای ایشان میسر است که به هر شکلی که مأمور گردند، درآیند. چنین است که جبرئیل (ع) هنگام آوردن وحی برای حضرت رسول (ص) به صورت عرب جوان زیبایی ظاهر می گشته است. و نیز قرآن خبر می دهد که ملائکه برای حضرت ابراهیم (ع) و حضرت لوط (ع) به شکل بشر ظهور کرده اند [اصفهان، ۱۳۶۱: ج ۱۰: ۳۱۸].

ملائکه با توجه اوصافشان نمی توانند از ماده‌ی کثیف عنصری باشند، اما مانعی ندارد که از اجسام لطیفی آفریده شده باشند؛ اجسامی مافوق ماده که انسان‌ها با آن‌ها آشنا هستند [مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۱۷۷].

با توجه به نظرات گوناگون فلاسفه، متکلمین و مفسرین در خصوص ماهیت ملائکه، خلاصه‌ی بحث بنابر قول علامه مجلسی چنین است: «امامیه، بلکه جمیع مسلمین، به جز گروه اندکی از فلاسفه، معتقد هستند که ملائکه وجود دارند و آن‌ها اجسام لطیفه‌ی نورانی هستند و می توانند به اشکال گوناگون درآیند و انبیاء (ع) و ائمه‌ی معصومین (ع) آن‌ها را می دیده اند [مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۵۶: ۲۰۲].

اوصاف کلی ملائکه

چنان‌که ذکر شد، قرآن کریم بارها و بارها از ملائکه یاد می کند، اما نکته‌ی قابل توجه آن است که نام هیچ کدام از آنان جز جبرائیل (ع) و میکائیل (ع) را ذکر نمی کند، بلکه همواره اوصاف ایشان و تبه و تیره اوصاف کلی را بیان می نماید: ملک الموت، کرام الکاتبین، و... برخی از این اوصاف عبارت‌اند از:

۱. ملائکه موجوداتی شریف و گرمی هستند که واسطه‌هایی بین خدای تعالی و عالم محسوس محسوب می شوند: «تنزل الملائكة و الروح فيها باذن ربهم من كل امر»^۲.

۲. ملائکه نافرمانی و عصیان ندارند: «لا یعصون ما أمرهم و يفعلون ما یؤمرون»^۳.

۳. ملائکه دارای مراتب و مقاماتی هستند: «و ما منا الا له مقام معلوم»^۴.

۴. ملائکه به فرمان خدا عمل می کنند: «لا یسبقونه بالقول و هم بامرهم یعملون»^۵.

۵. ملائکه پیوسته تسبیح و تحمید خداوند را به جای می آورند: «و انما لنحن الصافون و انما لنحن المسبحون»^۶.

۶. ملائکه گاهی به امر الهی به صورت انسان یا صور دیگر بر انبیا و یا بر انسان‌های شایسته ظاهر می شوند: «هل اتیک حدیث ضیف ابراهیم المکرمین، إذ دخلوا علیه فقالوا سلاماً قال سلام قوم منکرون»^۷.

اصناف ملائکه

فرشتگان دارای اصناف و انواعی هستند که در آیات قرآن کریم و روایات ائمه‌ی هدی (ع) به این اصناف اشاره شده است. حضرت علی (ع) در خطبه‌ی اول «نهج البلاغه» به بخش مهمی از این اصناف اشاره می کند. اگرچه در آیات قرآن کریم به انواع و اصناف دیگری از ملائکه نیز اشاره شده است، اما بخش مهم و عمده‌ی انواع و اصناف از ملائکه همان گروه‌هایی هستند که حضرت علی (ع) از ایشان یاد می کند. این اصناف انواع عبارت‌اند از:

۱. عبادت کنندگان پروردگار

«منهم سجود لایرکعون، و رکوع لایتصبون، و صافون لایتزابلون، و مسبحون لایسامون، لایغشاهم نوم العیون، و لاسهو العقول، و لاقرة الابدان، و لاغفلة النسیان»^۸

کار این مجموعه از فرشتگان فقط عبادت، تسبیح و تقدیس خداوند تبارک و تعالی است. گویی غیر از آن کار دیگری ندارند و به چیزی جز عبادت عشق نمی‌ورزند. چنان‌که از دقت در اوصاف این گروه به دست

می آید، ایشان چنان عاشق و غرق مناجات پروردگار هستند که هرگز خواب و غفلت و سستی بر آن‌ها عارض نمی‌شود. درست برخلاف انسان‌ها که اگر برنامه‌ی عبادتی خود را تکرار کنند، به طور تدریجی گرفتار سهو و نسیان و خواب‌آلودگی و عوارضی از این دست می‌شوند.

قرآن کریم نیز به این دسته از ملائکه اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وإننا لنحن الصافون، وإننا لنحن المسبحون»^۹ این گروه از فرشتگان اعلام می‌دارند که به درستی، ما هر آینه صف کشندگانیم به اقدام در موضع عبادت و موقف طاعت و بال‌های خود را گسترانده‌ایم برای امثال اوامر سبحانی. و به درستی ما تسبیح‌کنندگانیم برای ذات خداوندی و تنزیه‌کننده‌ی او هستیم، از آن‌چه سزاوار مقام ربوبی نیست [شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۱: ۱۶۷].

۲. امنای وحی الهی

«و منهم امناء علی وحیه، والسنة الی رسله، و مختلفون بقضائه و امره»^{۱۰}

این گروه از ملائکه درحقیقت واسطه‌ی میان پروردگار و پیامبران الهی و ترجمان وحی او هستند. از این تعبیر استفاده می‌شود که تنها جبرائیل (ع) نیست که سفیر وحی الهی است. او درحقیقت رئیس سفرای الهی است [مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ج ۱: ۱۵۷].

در آیات قرآن کریم به این گروه از ملائکه اشاره شده است: «ینزل الملائكة بالروح من امره علی من یشاء من عباده»^{۱۱} بحث‌های تفسیری درخصوص ملائکه‌ی حامل وحی الهی، بسیار است و نکات ظریفی درخصوص جبرائیل (ع) و روح القدس و روح الامین و... وجود دارد.

۳. نگهبانان بندگان

«و منهم الحفظة لعباده و السدنة لابواب جنانه»^{۱۲} گروه دیگری که حضرت علی (ع) از آن‌ها یاد می‌کند، گروهی از ملائکه‌اند که نگهبانان بندگان خدا هستند. آیات قرآن کریم دو گروه از ملائکه را حافظ

بندگان معرفی می‌کند که در این جا ممکن است هر یک از این دو گروه مورد نظر حضرت علی (ع) باشد: یک گروه ملائکی که مراقب اعمال بندگان هستند و آن‌ها را ثبت و ضبط می‌کنند: «و إن علیکم لحافظین، کراماً کاتبین». ^{۱۳} و گروه دیگر ملائکی هستند که بندگان را از آفات، بلاها و حوادث گوناگون حفظ می‌کنند: «له معقبات من بین یدیه و من خلفه یحفظونه من امر الله». ^{۱۴} در ادامه‌ی این بخش حضرت به گروه دیگری از ملائکه اشاره می‌کند که نگهبانان بهشت هستند. در آیات قرآن کریم گروه دیگری از ملائکه نیز ذکر شده‌اند که نگهبانان جهنم‌اند: «یا ایها الذین آمنوا قوا أنفسکم و أهلكم ناراً و قودها الناس و الحجارة علیها ملائكة غلاظ شداد...»^{۱۵}

۴. حاملان عرش الهی

«و منهم... المناسبة لقوائم العرش... لایتوهمون ربهم بالتصویر، و لایجرون علیه صفات المصنوعین، و لایحدونه بالاماکن، و لایبشرون الیه بالنظائر»^{۱۶} در آیات قرآن مجید، حدود ۲۵ بار به موضوع «عرش الهی» اشاره شده است. در روایات اسلامی هم بحث‌های بیشتری درباره‌ی آن دیده می‌شود که همگی حکایت از عظمت فوق‌العاده‌ی عرش الهی دارند؛ تا جایی که در تصور انسان نمی‌گنجد. بنابراین، حاملان عرش الهی، فرشتگانی والامقامی هستند که نه به قوت و قدرت خود، بلکه به حول و قوه‌ی الهی، این مسئولیت مهم را بر دوش گرفته‌اند، و در عین حالی که خداوند تبارک و تعالی را تسبیح و تقدیس می‌کنند، برای مؤمنان نیز استغفار می‌نمایند؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «الذین یحملون العرش و من حوله یسبحون بحمد ربهم و یؤمنون به و یستغفرون للذین آمنوا...»^{۱۷}

لازم به ذکر است که با توجه به توصیفاتی که حضرت از این گروه بیان می‌کنند، به دست می‌آید که این گروه از ملائکه به خاطر بالا بودن سطح معرفتشان به خدای تعالی، به این درجه دست یافته‌اند. چنان‌که در ابتدای



آشنایی با مجله های رشد

مجله های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می شوند:

مجلات دانش آموزی (به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال

تحصیلی منتشر می شوند)

- رشد کودک (برای دانش آموزان آمادگی و پایه ی اول دوره ی ابتدایی)
- رشد نوآموز (برای دانش آموزان پایه های دوم و سوم دوره ی ابتدایی)
- رشد دانش آموز (برای دانش آموزان پایه های چهارم و پنجم دوره ی ابتدایی)
- رشد نوجوان (برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی)
- رشد جوان (برای دانش آموزان دوره ی متوسطه)

مجلات عمومی (به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال

تحصیلی منتشر می شوند)

- رشد آموزش ابتدایی، رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، رشد تکنولوژی آموزشی، رشد مدرسه فردا، رشد مدیریت مدرسه رشد معلم (دو هفته نامه)

مجلات تخصصی (به صورت فصلنامه و ۴ شماره

در سال منتشر می شوند)

- رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی)، رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره ی متوسطه)، رشد آموزش قرآن، رشد آموزش معارف اسلامی، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، رشد آموزش هنر، رشد مشاور مدرسه، رشد آموزش تربیت بدنی، رشد آموزش علوم اجتماعی، رشد آموزش تاریخ، رشد آموزش جغرافیا، رشد آموزش زبان، رشد آموزش ریاضی، رشد آموزش فیزیک، رشد آموزش شیمی، رشد آموزش زیست شناسی، رشد آموزش زمین شناسی، رشد آموزش فنی و حرفه ای

مجلات رشد عمومی و تخصصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران و کادر اجرایی مدارس، دانشجویان مراکز تربیت معلم و رشته های دبیری دانشگاه ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می شوند.

- ♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش - پلاک ۲۶۸ - دفتر انتشارات کمک آموزشی
- ♦ تلفن و نمابر ۸۸۸۳۹۱۸۶

بحث بیان شد، اصناف دیگری از ملائکه نیز وجود دارند که قرآن کریم از آن ها یاد می کند. برای مثال می توان به ملائکه ی مأمور به قبض روح بندگان به هنگام مرگ اشاره کرد: «قل یتوفاکم ملک الموت الذی و کل بکم...»^{۱۸} و گروه های دیگری هم هستند که بررسی احوالات ایشان از این مجال خارج است.

عصمت ملائکه

اگرچه بحث در این خصوص بسیار مفصل است، اما شایان ذکر است که با توجه به آیات قرآن کریم به دست می آید که ملائک فاعل مختارند و قدرت مخالفت دارند. یعنی ایشان در عین قدرت بر معصیت، معصوم و پاک هستند [همان، ص ۱۶۷]. در آیات قرآن نیز به این معنا تصریح شده است که ملائکه هرگز از فرمان الهی سرپیچی نمی کنند و هرگز آلوده ی گناه و معصیت نمی شوند. درخصوص ملائکه ی مأمور عذاب آمده است: «لا یعصون ما أمرهم»^{۱۹} و نیز آمده است: «بل عباد مکرمون لایسبقونه بالقول و هم بأمره یعملون»^{۲۰} زمخشری ذیل این آیه در تفسیر خود چنین می نویسد: «ملائکه از قول خداوند تبارک و تعالی تبعیت می کنند و چیزی جز آن چه او می گوید، نمی گویند. لذا گفتار ایشان از اوامر الهی پیشی نمی گیرد و عمل ایشان نیز چنین است. به دلیل احاطه ی خداوند بر ملائکه، آنان مراقب نفس خویش هستند و احوال خویشان را مراعات می کنند و همه ی این حالات در ایشان به خاطر خوف و خشیت از پروردگار است» [زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱].

نتیجه

با توجه به مطالب بیان شده می توان گفت، گرچه ملائکه توسط حواس انسانی قابل درک نیستند، اما با توجه به آیات قرآن کریم، وجود ایشان امری قطعی است و از منظر قرآن کریم، ایمان به وجود به این موجودات از اهمیت بالایی برخوردار است. از دیدگاه قرآن کریم و روایات اسلامی، ملائک مخلوقات خداوند و بلکه به تعبیر قرآن، بندگان برجسته ی او هستند که اوصاف و اصنافی دارند. ملائکه در عین اختیار، به گناه آلوده نشده اند و معصوم از هر گناه و اشتباهی هستند.